

راهی برای بازدارندگی و کم نمودن از مخارج نظامی با استفاده از سلاح‌های متعارف

سید رضا پرواس^۱

چکیده :

در جهان امروز عوامل متعددی باعث ایجاد یک رقابت سنگین در زمینه افزایش توان تسلیحاتی و بالا بردن قدرت نظامی کشورهای منطقه گردیده است که در نهایت باعث می‌شود نتوانند به توسعه داخلی بپردازند و مجبورند بودجه خود را صرف مخارج نظامی نمایند، لذا باید راهی پیدا نمود تا ضمن ایجاد بازدارندگی، از مخارج نظامی کم نموده و با استفاده از الگویی که جدید به این رقابت تسلیحاتی که به نفع هیچ کس نیست، پایان دهیم. استفاده از انواع سلاح‌های کشتار جمعی مانند بمب‌های هسته‌ای و شیمیایی (حتی در دفاع مشروع) برابر قوانین بین‌المللی، ممنوع بوده و استفاده کنندگان تحت پیگرد قانونی مجامع جهانی قرار می‌گیرند لذا ساخت و تکثیر آن‌ها فواید چندانی ندارد. ولی هر گونه اقدامی که به منظور ساخت سلاح‌های تدافعی متعارف با بردهای بلند در داخل خاک کشور انجام گیرد و همچنین استفاده از آن در هنگام تجاوز دشمن و با اخطار قبلی، اقدامی به منظور دفاع مشروع تلقی شده و فاقد منع بین‌المللی می‌باشد. از آنجا که هر گونه اقدامی جهت ساخت سلاح متعارف با برد بلند، مانند توپ‌های الکترومغناطیسی از نظر حقوق بین‌المللی پذیرفته شده می‌باشد. می‌توان با ساخت و استفاده از پرتابه‌های برد بلند (توپ‌های الکترومغناطیسی)، ضمن کم نمودن از مخارج نظامی نوعی وحشت را در دل دشمنان ایجاد نمود تا از فکر تجاوز به خاک میهن اسلامی منصرف گردند.

کلید واژگان: سلاح متعارف، توپ الکترو مغناطیسی، اقتصاد آتش، بازدارندگی.

مقدمه

اختلافات اساسی و اصولی که در ابعاد عقیدتی و اخلاقی بین کشور ما با تفکرات استکبار جهانی به سرکردگی امریکا وجود دارد باعث گردیده هرگز نتوانیم بر سر اصول به توافق برسیم و این مطلب را امام راحل با یک جمله بیان فرمودند و آن جمله طلایی، نامیدن امریکا با عنوان "شیطان بزرگ" بود؛ لذا هر گونه تلاشی برای نزدیکی روابط بین ایران با امریکا، در نهایت به بن بست می رسد، زیرا سرانجام دوستی انسان با شیطان همیشه به نفع شیطان خواهد بود؛ بنابراین ما به طور مدام مورد تهدید استکبار خواهیم بود. از طرفی اولین و مهم ترین چیزی که بعد از تأمین نیازهای فیزیولوژیکی، ذهن انسان ها را به خود مشغول می کند، امنیت^۱ است. در تاریخ، ما جامعه ای نداریم که دیر زمانی فارغ از دغدغه ها و معضلات امنیتی، روزگار را سپری کرده باشد. اهمیت این موضوع به قدری زیاد است که این مسأله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته و در آن بیش از ۳۰ مورد صریحاً به بیان موضوع امنیت پرداخته است.

از نظر منطقی بهترین سلاح برای جلوگیری از نابودی کامل و به عبارت بهتر "ایجاد بازدارندگی" در عصر حاضر سلاح اتمی و در مفهوم عام آن سلاح های کشتار جمعی (یا نامتعارف) می باشد به طوری که بتواند متجاوز را از هر نوع تفکر ویرانگر بر حذر دارد، اما علی رغم اینکه این نوع از سلاح، قدرت بازدارندگی دارد و باعث ایجاد وحشت می شود اما استفاده از آن در دنیای امروز بعید به نظر می رسد. زیرا هر گونه اقدامی جهت بکار بردن آن به معنای انهدام کلی (خودی و بیگانه) تلقی شده و نوعی عمل انتحاری محسوب می شود؛ و از همه مهم تر کشتار جمعی مردم بی گناه با اصول دین مبین اسلام منافات داشته و مقام معظم رهبری آن را حرام شرعی اعلام نموده اند.

در این راستا استکبار جهانی به هر نحو ممکن از دست یابی کشورهای جهان سوم به تکنولوژی صلح آمیز هسته ای (به بهانه ساخت سلاح هسته ای)، جلوگیری می کند، در این راستا با تبلیغات وسیع، افکار عمومی جهان را با خود همراه کرده و همان طور که در جنگ خلیج فارس مشاهده

^۱ امنیت (Security) از نظر لغوی به معنی ایمن شدن، در امان بودن، بی بیسی است (معین، ۱۳۷۱: ۳۵۴). وجود شرایط ناشی از برقراری و حفظ اقداماتی که کشور را از اعمال نفوذ دشمن نگه دارد. (مظفری، ۱۳۷۱: ۴۹)

راهی برای بازدارندگی و کم نمودن از مخارج نظامی ۷

گردید، می‌تواند با ایراد یک تهمت بی اساس، مجوز حمله به یک کشور جهان سوم را از مجامع جهانی دریافت کند. این کار باعث می‌شود این تکنولوژی فقط در انحصار خودش باشد و ضمن جلوگیری از دست یابی سایر کشورها به سلاح اتمی نوعی وابستگی به انرژی را برای سایر کشورها فراهم نماید. حال در چنین شرایطی که استفاده، ساخت، تلاش برای ساخت و یا حتی تحقیق در باره سلاح‌های کشتار جمعی با واکنش مجامع جهانی روبرو می‌شود و این نوع سلاح‌ها را فقط عمال استخبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل حق داشتند را دارند! برای ایجاد بازدارندگی چکار باید کرد؟

به نظر نویسنده راه حل این مشکل استفاده از سلاح‌های متعارف می‌باشد؛ و چنانچه از غالب سلاح‌های متعارف فعلی و پرتابه‌های معمولی خارج شویم می‌توانیم همان ایجاد بازدارندگی سلاح اتمی را با سلاح‌های متعارف نیز داشته باشیم در این راستا استفاده از توپ‌های الکترونیکی که می‌تواند گلوله‌ها را به مسافت زیاد (صدها کیلومتر) پرتاب نماید به عنوان مبنایی برای این نوع از سلاح‌های متعارف مد نظر قرار گرفت (این نوع توپ، عملاً ساخته شده و مورد آزمایش مقدماتی قرار گرفته و بنا به عللی کنار گذاشته شده^۱ که نیاز می‌باشد تحقیق و ساخت آن آغاز شود).

۱- بازدارندگی:

ابتدا بازدارندگی و دیدگاه‌های مختلف بازدارندگی را مورد بررسی قرار داده و سه نظریه متفاوت که در حال حاضر مطرح است، بررسی خواهد شد. با این دیدگاه که در این مقاله سعی گردیده نظریه جدیدی مطرح گردد که خارج از چارچوب نظریات مطرح کنونی بوده و استفاده از سلاحی دور پرتاب و غیر هسته‌ای را ملاک کار خود قرار می‌دهد.

الف) بازدارندگی هسته‌ای: واژه بازدارندگی در مقابل واژه انگلیسی deterrence اتخاذ گردیده است. فرهنگ معین «بازداشتن» را در فارسی به معنی «منع کردن، جلوگیری کردن، توقیف کردن و حبس کردن» معنی می‌کند.^۲

۱- ماهنامه فوکوس، اکتبر ۲۰۰۶، شماره ۲۳۰، صفحه ۲۵

۲- معین، فرهنگ فارسی، (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳). جلد اول، ص ۴۵۴.

۸..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹

اگر بازدارندگی از طریق سلاح‌های سنتی و غیر هسته‌ای انجام گیرد، آن را بازدارندگی متعارف گویند؛ یعنی تهدید به رنج از طریق سلاح‌های متعارف صورت می‌گیرد و برعکس اگر تهدید به رنج از طریق سلاح‌های هسته‌ای انجام گیرد، آن را بازدارندگی هسته‌ای گویند. از آنجا که درد و رنج سلاح‌های هسته‌ای شدیدتر از سلاح‌های متعارف است، لذا تهدید به آسیب‌رسانی از طریق سلاح هسته‌ای آثار بازدارندگی بیشتری خواهد داشت^۱. بین دکترین‌های بازدارندگی ابرقدرت‌ها و قدرت‌های کوچک باید تفاوت قائل شد. ابرقدرت‌ها مثل امریکائیان و روس‌ها به بازدارندگی کلی و فوری معتقدند، اما از انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و تا حدی چینی‌ها و اخیراً هندی‌ها و پاکستانی‌ها به بازدارندگی حداقلی قانع‌اند^۲. بازدارندگی حداقلی، مستلزم داشتن توان ضربه دوم است تا حدی که بتواند دشمن را از آغاز حمله هسته‌ای باز دارد؛ خواه آن حمله از طرف یک ابرقدرت باشد و یا از ناحیه قدرت‌های کوچک‌تر. بنابراین، این نوع بازدارندگی، نسبی است و فرانسوی‌ها به آن «بازدارندگی نسبی» می‌گویند. هدف، نابودی دشمن نیست، بلکه وارد ساختن ضربه قابل ملاحظه و تلفات مهلکی است که دشمن را در برابر سایر قدرت‌های هسته‌ای ضعیف سازد.

ب) خلع سلاح: خلع سلاح، به مفهوم تهدید، کنترل و کاهش ابزار جنگ است؛ خواه این ابزار نیروی انسانی باشد و یا نیروی مادی^۳. این مفهوم از لحاظ لغوی، انهدام کامل تسلیحات را در بر می‌گیرد. حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات به این معنی است که برای دولت‌ها چیزی بر جا نخواهد ماند تا در باره آن با یکدیگر بجنگند. رژیم امنیت دسته جمعی نیز حاکی از آن است که متجاوز باید به دست همگان تنبیه شود؛ یعنی دکترین همه علیه یکی، خلع سلاح یعنی محروم کردن دولت‌ها از هر چیزی که با آن بتوانند بجنگند. به عبارت ساده‌تر یعنی نابودی جنگ به روش

۱- در واقع استراتژی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (MATO) در دوران جنگ سرد مبتنی بر بازدارندگی هسته‌ای از طریق تهدید به درد شدید بوده است. جهت اطلاع بیشتر در خصوص بازدارندگی از طریق «انکار و تهدید به عمل متقابل و تنبیه مراجعه کنید به: Glenn H. Snyder, Deterrence and Defence: Toward a Theory of National Security (Princeton University Press, 1961) pp. 3-15

۲- البته این نظریه‌ها نیز همانند خود رشته روابط بین‌الملل، ساخته و پرداخته امریکائی‌ها و انگلیسی‌ها هستند. جهت اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: Barry Vuzan, An Introduction to Strategic Studies (New York: St Martins, 1987).

۳- مراجعه شود به: Inis Claude, gr, Swords in plowsheres (New York, Random House 1984)p. 286

راهی برای بازدارندگی و کم نمودن از مخارج نظامی ۹

ساده و مستقیم با حذف ابزاری که با استفاده از آن جنگیدن میسر می شود.^۱ نظریه خلع سلاح با آثار سیاسی برتری نظامی سرو کار ندارد، بلکه با عواقب مسابقات تسلیحاتی روبه روست. تنش، تولید اسلحه می کند، اسلحه باعث تولید اسلحه متقابل می شود و این رقابت ایجاد تنش می کند، نظریه خلع سلاح به نظریه رژیم امنیت دسته جمعی نیز مربوط می شود که به موجب آن تسلیحات داخلی کشورها با رشد رژیم امنیت دسته جمعی محدود می شود و نیاز به اتحادهای نظامی نیز کم می گردد.^۲

پ) کنترل تسلیحات: نظریه پردازی در مورد کنترل تسلیحات، افراط و تفریط داشته است. از یک طرف برای مقابله با دشمن بالقوه، شیوه کاملاً جدیدی اتخاذ شده است و از طرف دیگر می بایستی «وضعیت حاضر» حفظ می شده است. چرا که جایی برای پنهان شدن از خطر تسلیحات هسته ای نیست. امستر می گوید ورود به عصر موشک های میان قاره ای، استراتژی های نظامی خاصی را به دنبال خواهد داشت که اساساً بازدارنده خواهند بود. وی ویژگی های موشک را این چنین ترسیم می کند که موشک ها در جنگیدن با یکدیگر خوب نیستند اما به خوبی مستقر شده اند و در زمین خوب محافظت می شوند و در هوا نیز آن قدر سریع حرکت خواهند کرد که نمی توان به آنها شلیک کرد. این نظریه دقیقاً مخالف نویسنده مقاله است که معتقد است موشک و یا هر سلاحی که موتوری برای پرواز دارد قابل ردیابی و هدف گیری می باشد ولی گلوله های پرتابی از این قاعده مستثنی هستند ولی در مقایسه با موشک ها، شهرها بسیار آسیب پذیر و ثابت و پخش و پراکنده اند. (امستر، ۱۹۵۵)

^۱ این دکتربین در میثاق جامعه ملل، منشور سازمان ملل متحد و در اکثر پیمانهای نظامی دو یا چند جانبه مانند سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) مورد استفاده قرار گرفته است.

۲- این که رشد رژیمهای بین المللی بخصوص رژیمهای امنیت وجود ائتلافهای نظامی را زائد می کند در ادبیات رژیمهای بین المللی کاملاً جا افتاده است. مثلاً مراجعه کنید به:

Keohane, After Hegemony, Cooperation and Discaud in The world politics Robert
Princeton: princeton University press 1984)' Keohane R.and Nye, J)

۱۰..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹
«تهدید به درد و رنج» در تاریخچه نظامی وجود داشته ولی در گذشته زمانی طول می کشید تا آن «درد» احساس شود. سلاح های هسته ای این درد را سریع انتقال می دهند. از این حیث، استراتژی نظامی دیگر علم پیروزی نظامی نیست، بلکه هنر اعمال فشار، ایجاد رعب و بازدارندگی است.^۱
خلع سلاح با آن دیدگاه های ایده آلیستی هرگز تحقق پیدا نکرد. از طرف دیگر رئالیست ها نیز نتوانستند از طریق بازدارندگی و اعمال قدرت یک ثبات دائمی را تضمین کنند. از این رو عبارت «کنترل تسلیحات» که سابقه اش به ۵۴۶ سال قبل از میلاد مسیح برمی گردد، به عنوان راه حل عقلانی انتخاب شد. در ۵۴۶ سال پیش از میلاد مسیح، چهارده کشور، کنفرانسی را در خصوص متوقف کردن تسلیحات در هنان چین برگزار کردند و به یک دوره جنگ هفتاد ساله و نبرد مسلحانه خاتمه بخشیدند.^۲ اما در مورد منطق کنترل تسلیحات باید گفت که «خارج از کنترل» بودن به مثابه این بود که سرنوشت انسان از دست انسان خارج شود و تصمیمات بشری در آن دخیل نباشد. از این رو کنترل تسلیحات هیچ گونه پیامی مبنی بر اینکه انسان از خطرات جنگ افزارها مصون خواهد بود، نداشت.

۲- اقتصاد نظامی:

به نظر نویسنده در جهان کنونی همه چیز رنگ و بوی مادی به خود گرفته و چنانچه تفکر و فرضیه ای، قابلیت و صرفه اقتصادی داشته باشد مورد قبول واقع خواهد شد و در هر کاری ابتدا باید صرفه اقتصادی آن سنجیده شود مثلاً اگر میزان درآمد شما با مخارجتان تناسب نداشته باشد قطعاً ورشکستگی به دنبال خواهد داشت و هر کس باید برابر توان خود خرج نماید و به عبارت دیگر باید قدرت ملی با مخارج نظامی تناسب داشته باشد. وقتی در رابطه با مخارج نظامی و رابطه آن با اقتصاد آتش صحبت می شود باید ابتدا قدرت ملی مورد ارزیابی قرار گیرد. قدرت ملی هر کشوری با استفاده از مؤلفه های خاصی در نظام بین الملل تعریف می شود. در واقع قدرت ملی در

۲- مراجعه شود به فصل اول کتاب:

(University Press, 1966 Thomas Schelling, Arms and Influence (New Haven , Yale)

۳- مراجعه شود به: Blacker and Duffy, p.1

راهی برای بازدارندگی و کم نمودن از مخارج نظامی ۱۱

ساختار نظام جهانی قدرت، معنی پیدا می کند؛ و مسلم است که مخارج نظامی با قدرت ملی باید رابطه مستقیم داشته باشد، لذا با کنار هم گذاشتن آمار مخارج نظامی کشورهای جهان و ترتیب قدرت های برتر جهانی، مشاهده می شود که اکثر قدرت های بزرگ جهان، همان کشورهای هستند که مخارج نظامی بالایی نیز دارند.

در سال ۲۰۰۹ ده کشوری که بیشترین مخارج نظامی را در جهان داشتند به ترتیب عبارتند از آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین، ژاپن، آلمان، روسیه، ایتالیا، عربستان سعودی و هند. همان گونه که مشاهده می شود به غیر از عربستان و ایتالیا، ۸ کشور دیگری که بیشترین مخارج نظامی را دارند، جزو ده قدرت بزرگ جهانی هم هستند. بر این اساس می توان این گونه نتیجه گرفت که مخارج نظامی متغیر مهمی در بین مؤلفه های تعیین کننده قدرت ملی می باشد مخارج نظامی جهان در سال نزدیک به ۲.۵ درصد از تولید ناخالص ملی جهانی را شامل می شود. میزان سهم ۱۰ کشوری که بیشترین مخارج نظامی را دارند بالغ بر ۷۷ درصد از کل بودجه نظامی جهانی را تشکیل می دهد که کشور آمریکا به تنهایی در حدود ۴۶ درصد از بودجه نظامی جهان را به خود اختصاص داده است. با وجود بحران اقتصادی حاکم بر کل اقتصاد جهان، هزینه های نظامی در ۱۰ سال اخیر با رشد دو برابری به ۱.۵۳ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۰ رسید که بودجه نظامی و جنگی آمریکا ۵۴ درصد آن را تشکیل می دهد. جهان سوم هنوز به آن مرحله از شکوفائی اقتصادی و یا بالاتر از آن به حد بحران اقتصادی ناشی از مازاد نرسیده است. اما با وجود این خود را سخت درگیر مسابقات از نوع مزبور کرده است. مهم ترین علل افزایش رو به تزايد هزینه های نظامی در جهان سوم عبارتند از: امنیت خارجی، امنیت داخلی، حوزه امنیتی هر کشور، روند سیاسی کشور، نحوه بودجه گذاری، اظهار هویت ملی، استعمار نو، وجود مجتمع های نظامی صنعتی و منافع موجود در نظامی گری. همچنین بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، آثار اقتصادی هزینه های نظامی در کشورهای جهان سوم، نه تنها منفی نبوده، بلکه کمکی به روند رشد اقتصادی محسوب می شود. از نقطه نظر آثار جزئی، آثار اقتصادی بخش نظامی در کشورهای جهان سوم، به دو جنبه داخلی و خارجی تقسیم می شود. به طور کلی آثار خارجی در صورتی که به معنای واردات یا قبول همکاری های به شکل سلاح تکمیل شده از خارج باشد، موجه نخواهد بود و این در فرآیند نهایی جز آثار مخرب چیزی به بار نخواهد آورد. اما اگر به معنای تقویت صنایع نظامی، به شکلی که در دراز مدت بتوان از آن

۱۲..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹
طریق در تجارت خارجی وارد شده و ارزش وارد کشور نموده باشد، مسلماً مقبول خواهد بود. از
لحاظ داخلی با ارزیابی دقیق آثاری که این بخش بر کل اقتصاد می گذارد، بسیار بیش از برداشتی
است که از آن دارد.

مقایسه مخارج نظامی برخی از کشورهای بزرگ جهان و منطقه نشان می دهد که مخارج
نظامی هر یک از این کشورها در سال های مختلف بر اساس تاثیر پذیری از عوامل متفاوت، در
نوسان بوده است. بررسی رشد سالانه کشورهای مختلف نشان می دهد که رشد سالانه مخارج
نظامی ایران و عربستان دارای همگرایی بیشتری نسبت به سایر کشورها می باشد. بدین صورت که
در سال هایی که مخارج نظامی ایران رشد بالایی به خود می گیرد، مخارج نظامی عربستان نیز از
این روند تبعیت می کند. لازم به ذکر است بر اساس اطلاعاتی که توسط SIPRI ارائه شده است.^۱
در دوره ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۶ متوسط رشد مخارج نظامی ایران با ۱۴/۵ درصد در سال، بیشتر از سایر
کشورهای مورد بررسی (آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین، روسیه، عربستان، هند، ترکیه، پاکستان،
کویت، مصر و آذربایجان) بوده است.

همان گونه که گفته شد میزان مخارج نظامی هر کشوری نیز تحت تأثیر عوامل مختلفی هست
و متغیرهای مهم تعیین کننده قدرت ملی هر کشور، به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر همدیگر تأثیر
می گذارند و در تعامل با همدیگر هستند.

با توجه به مقایسه ای که در مورد مخارج نظامی جهان به عمل آمد در می یابیم در گیر شدن در
رقابت های تسلیحاتی برای کشورهای جهان سوم به منزله سمی است که باعث مرگ تدریجی و
وابستگی بیش از پیش آنان به قدرت های بزرگ می گردد و در نهایت فقر را به ارمغان می آورد و
این همان چیزی است که قدرت های استکباری طلب می کنند، و وقتی به آمارها نگاه می کنیم
متوجه خواهیم شد که سرانه مخارج نظامی کشورهای جهان سوم مانند عربستان (که بسیار بالاتر از
سایر کشورها است) اگر از میزان کنونی به ۱۰ برابر هم افزایش یابد به علت عدم دخالت آنان در
تحقیق و توسعه و عدم توانایی در کسب بازارهای اسلحه حاصلی جز عقب ماندن بیشتر از توسعه

^۱ - SIPRI Yearbook 2007, Armaments, Disarmament and International Security, The
Stockholm International Peace Research Institute, SIPRI 2007, printed by CM
Gruppen,,Bromma

راهی برای بازدارندگی و کم نمودن از مخارج نظامی ۱۳

داخلی نخواهد داشت و لذا لازم است به روش و نگاهی نو برای ایجاد بازدارندگی اندیشیده شود به گونه‌ای که ضمن ایجاد باز دارندگی و جلوگیری از فکر تجاوز برای سران مغرور و کج اندیش کشورهای همسایه (مانند صدام) از ایجاد رقابت تسلیحاتی همانند آنچه برای ایران و عربستان به وجود آمده به نحو چشمگیری کاسته شود.

۳- دفاع مشروع

بحث بر سر اینکه آیا استفاده از روش مورد نظر نویسنده در رابطه با استفاده از توپ‌های دوربرد از نظر حقوق بین‌الملل مقبولیت دارد یا نه به تعریفی که از دفاع مشروع داریم باز می‌گردد و آن به وضعیتی اطلاق می‌شود که بر اساس آن به کشور مورد تجاوز مسلحانه حق می‌دهد تا به فوریت در مقام تهاجم مسلحانه کشور یا کشورهای دیگر با هر وسیله ممکن، حتی اگر مخالف حقوق بین‌الملل هم باشد، متوسل به زور شده و با دفاع از خود، دشمن تجاوزگر را سرکوب کند.

دفاع مشروع ممکن است جنبه دسته جمعی داشته باشد. به این ترتیب که تعدادی از کشورها مخصوصاً کشورهای هم‌جوار با انعقاد قرارداد تدافعی خاص تعهد کنند، در صورتی که هر یک از آن‌ها مورد تعدی و تجاوز کشور یا کشورهای دیگر قرار گیرد، سایرین به یاری او شتافته و متجاوز را قلع و قمع کنند. این پیمان تدافعی حتی ممکن است پس از وقوع تجاوز منعقد شود.

با تعریف کلی ارائه شده، دفاع مشروع مبتنی بر دو شرط اساسی است: یکی احراز تجاوز و دیگری متناسب بودن عملیات تدافعی با حدود و دامنه تهاجم.

در مورد اول و اینکه تجاوز باید محرز و مسلم باشد، به این معنی است که اساساً تجاوزی (منطبق با مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل معاصر) صورت گرفته و عملیات تجاوزکارانه تجلی خارجی و عینیت پیدا کرده است، فرضاً عبور نیروهای نظامی از خطوط مرزی و اشغال بخشی از کشور همسایه. در مورد دوم، یعنی اقداماتی که در جهت دفاع صورت می‌گیرد باید معقول و متناسب با عملیات تهاجمی باشد، نه اینکه خود به جنگ مسلحانه‌ای خارج از چهارچوب دفاع مشروع تبدیل شود. بنابراین، فروض زیر خارج از چهارچوب دفاع مشروع محسوب می‌شود^۱:

۱- منشور ملل متحد، مصوب شده در بیست و نهمین اجلاس سازمان ملل متحد، در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴.

۱۴..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹
با بررسی که از سوابق و قوانین بین‌المللی به عمل آمد می‌توان نتیجه گرفت که هرگونه اقدامی که به منظور ساخت سلاح‌های تدافعی متعارف (با بردهای بلند) در داخل خاک کشور انجام گیرد، اقدام به منظور دفاع مشروع تلقی شده و فاقد منع بین‌المللی می‌باشد و حتی استفاده از آن بلافاصله پس از حمله دشمن و با اخطار قبلی، از نظر مجامع جهانی و عرف بین‌المللی، به علت متناسب بودن عملیات تدافعی با حدود و دامنه تهاجم عملی پسندیده است. زیرا مقابله با نیروهای کشور متجاوز با وسایل و ابزار غیرمتناسب صورت نگرفته و از سلاح‌های کلاسیک استفاده شده است و چون از قدرت آتش استفاده می‌شود نیازی نیست که پیش دستی در مقابل تهاجم دشمن انجام شود و یا به منظور دفع تجاوز در تعقیب دشمن وارد خاک او شد و می‌توان ضمن ایجاد فرصت کافی جهت انجام اقدامات سیاسی (به منظور اطلاع سازمان ملل از وقوع تجاوز)، به فاصله کوتاهی پس از کشف تک دشمن، آتش سنگینی را بر روی زیر ساخت‌های اساسی او اجرا نمود و این عمل حقوق و قوانین بین‌المللی را نقض نمی‌کند. (پرواس، ۱۳۸۸، ص ۱۲)

۴- مروری بر قوانین منع استفاده از تسلیحات کشتار جمعی

هدف از مروری بر قوانین منع استفاده از تسلیحات کشتار جمعی این نکته است که ثابت نمایم راه‌های بهتری نیز برای بازدارندگی وجود دارد و استفاده از سلاح اتمی در شأن حکومت اسلامی نبوده و نخواهد بود. اراده تولید تسلیحات هسته‌ای در ایران وجود داشته است، ولی به دوران سلطنت شاه مخلوع باز می‌گردد. به گفته اسدالله علم، شاه ایران همواره (بطور پنهانی) خواهان دستیابی کشورش به تسلیحات هسته‌ای جهت تجهیز نمودن ایران به سپر دفاعی در منطقه بود.^۱ محمدرضا پهلوی در سال ۱۹۷۵ گفته بود که ایران رسماً قصد ساخت تسلیحات هسته‌ای را ندارد، اما چنانچه کشورهای منطقه اقدام به ساختن آن کنند، تصمیم خود را ممکن است عوض کند.^۲ بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فتوایی علیه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در تاریخ اول فروردین سال ۱۳۸۴ (پیرامون ترس دشمنان

^۱ - <http://meria.idc.ac.il/journal/2002/issue2/quillen.pdf>

^۲ - <http://www.payvand.com/news/03/oct/1015.html>

راهی برای بازدارندگی و کم نمودن از مخارج نظامی ۱۵
ایران از شکل گیری ایران قدرتمند و بهانه قرار دادن تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای در سخنرانی تبریک عید نوروز) بشرح ذیل صادر فرمودند:

"خود آن‌ها به خوبی می‌دانند که ماجرای ساخت سلاح هسته‌ای یک افسانه است و هیچ واقعیتی ندارد. مسأله‌ی آن‌ها این نیست؛ مسأله‌ی آن‌ها این است که از شکل گرفتن یک ایران قدرتمند و پیشرفته نگرانند... امروز مسأله‌ی انرژی هسته‌یی بهانه‌ی تهدیدهای امریکاست. ابرقدرت، شأن خود را در تهدید کردن می‌داند... امروز بهانه‌ی تهدید آن‌ها انرژی هسته‌یی است. این هم که نباشد، بهانه‌ی دیگری مطرح می‌کنند"

همچنین در تاریخ سی مرداد سال ۱۳۸۵ چنین فرمودند: "شما می‌بینید دشمنان دنیای اسلام چه فشاری بر روی مسئله انرژی هسته‌ای در ایران دارند. آن‌ها می‌دانند که ما دنبال بمب اتم نیستیم. آن‌ها از پیشرفت علم در این کشور، از پیشرفت فناوری در یک کشور اسلامی ناراحتند." بسیاری از مراجع و رهبران ایران تولید این گونه سلاح‌ها را مغایر با تعالیم اسلام دانسته‌اند.

کشور ما و همچنین مردم کرد حلبچه نیز در طی جنگ و دفاع مقدس به دفعات مورد بمباران‌های شیمیایی عراق قرار گرفتند. این در حالی است که از سال ۱۹۲۵ «پروتکل منع استفاده از گازهای شیمیایی و بیولوژیک» در جهان به امضا رسیده و به کارگیری این سلاح‌ها ممنوع است؛ از سوی دیگر ۱۳۷ دولت در سال ۱۹۹۳ برای قوت بخشیدن به پروتکل مزبور، پیمانی را امضا کردند که تکمیل، تولید و انبار کردن جنگ‌افزارهای شیمیایی را ممنوع می‌کرد و از دولت‌ها می‌خواست در یک دوره ده ساله، یعنی تا سال ۲۰۰۳، همه جنگ‌افزارهای شیمیایی انبار شده را نابود سازند.

استفاده از انواع سلاح‌های کشتار جمعی مانند بمب‌های هسته‌ای و شیمیایی (حتی در دفاع مشروع) برابر قوانین بین‌المللی، ممنوع بوده و استفاده کنندگان تحت پیگرد قانونی مجامع جهانی قرار می‌گیرند لذا ساخت و تکثیر آن با توجه به شرایط فعلی و موارد عینی پیش آمده در دهه‌های

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار علما و روحانیون کرمان (فارسی). <http://farsi.khamenei.ir> (در تاریخ

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۴). بازدید در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۸۶

۳ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی (فارسی).

<http://farsi.khamenei.ir> (در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۸۵). بازدید در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۸۶.

۱۶..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹
اخیر فواید چندانی ندارد؛ و با توجه به فتوای مقام معظم رهبری، مبنی بر خلاف شرع بودن تولید سلاح اتمی که بر حسب مقتضیات زمان صادر فرمودند، کشور ما سلاح اتمی تولید نخواهد کرد و طبق مفاد کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی، و آنچه در جریان بمباران حلبچه و محکومیت صدام اتفاق افتاد و زیر سوال رفتن کشورهای تولید کننده سلاح کشتار جمعی، امکان استفاده از سلاح اتمی و سایر سلاح‌های کشتار جمعی برای کشورهای دارای این سلاح نیز وجود ندارد ولی در مورد سایر سلاح‌ها مانند بمب‌های خوشه‌ای جای بحث وجود دارد مبنی بر اینکه آیا جزء سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد یا خیر؟ و بعضی از کشورها از جمله کشور ما و بعضی از قدرت‌های بزرگ آن را به رسمیت نمی‌شناسند و پیمان مربوطه را امضاء نکرده‌اند لذا در جنگ‌های آینده تاکید بیشتر بر روی سلاح‌های متعارف خواهد بود ضمن آنکه در هیچ کجا از این کنوانسیون‌های بین‌المللی تأکیدی بر افزایش دقت و یا لزوم دقیق بودن سلاح نشده است و پراکندگی هر سلاح جزء اصول لاینفک ساخت آن می‌باشد بنا بر این هر گونه اقدامی جهت ساخت سلاح متعارف با برد بلند، حداقل از نظر حقوق بین‌المللی پذیرفته شده می‌باشد.

۵- توپ‌های الکترو مغناطیسی

از آنجا که با انرژی الکتریکی می‌توان میدان مغناطیسی ایجاد نمود و یک جسم را به حرکت در آورد چنانچه این میدان قوی‌تر شده و جریان بیشتری عبور داده شود می‌توان از آن برای پرتاب اجسام استفاده نمود در سال ۱۹۷۲ در آمریکا تحقیقاتی انجام شده بود تا بتوانند برای پرتاب ماهواره‌هایی به وزن چندین تن از توپ‌های الکترومغناطیسی استفاده نمایند ولی این طرح به دلیل بلند پروازانه بودن طرح (پرتاب اجسام چندین تنی) و مصرف نیروی برق زیاد کنار گذاشته شد لازم به ذکر است که برای ایجاد چنین میدان مغناطیسی که قادر به پرتاب گلوله توپ به مسافت صدها کیلومتر باشد احتیاج به نیروی برق زیاد در حد یک نیروگاه متوسط برق می‌باشد ولی آنچه که مهم است برای پرتاب به چند لحظه برق نیاز می‌باشد و از یک منبع برق می‌توان برای پرتاب چندین قبضه استفاده نمود و لازم است که در مورد ذخیره انرژی الکتریکی برای لحظاتی که امکان هدف قرار دادن نیروگاه وجود دارد چاره‌ای اندیشیده شود. ضمن آن که امکان استفاده از این روش و این نوع سلاح متعارف برای گروه‌های تروریستی وجود ندارد زیرا نیاز به

راهی برای بازدارندگی و کم نمودن از مخارج نظامی ۱۷
نیروگاه برق و امکانات و استحکامات و سرزمین وسیع می باشد که عملاً گروه‌های تروریستی فاقد آن می باشند.

با نگاهی به سیر تکاملی توپخانه در می یابیم که علیرغم پیشرفت‌های چشمگیر در قسمت‌های مختلف توپخانه، در برد آن افزایش چشمگیری به وجود نیامده است زیرا دور بردترین توپ‌های موجود که در حال حاضر در ارتش‌های جهان به خدمت مشغولند در حدود ۴۰ تا ۷۰ کیلومتر برد دارند (دستور رزمی ۵۰ - ۶ - چاپ ۱۳۸۶) و با وجود آنکه در سال ۱۹۱۸ (۹۰ سال پیش) توپ برتا با برد ۱۲۲ کیلومتر و با گلوله‌های ۱۲۰ کیلو گرمی توسط آلمان‌ها ساخته شد. ولی بعد از آن هرگز اقدام موثری برای ساخت چنین توپ‌هایی به عمل نیامد چرا؟ دلیل آن را باید در ماهیت توپخانه جستجو کرد و آن بالستیکی بودن نحوه پرتاب می باشد که بالطبع دقت یک سلاح هدایت شونده را نخواهد داشت و چون صنایع نظامی غرب در راستای دکترین جنگی قدرت‌های بزرگ حرکت می کنند پس نیازی نبوده است که با افزایش برد، گلوله‌ای شلیک شود که دقت نداشته باشد و همچنین حمل و نقل این توپ در جریان نبرد مشکل یا بعضاً غیر ممکن باشد و به همان دلیل ادامه ساخت توپ الکترومغناطیسی یا به عبارتی سیم پیچی شده که با انرژی الکتریکی گلوله‌ها را پرتاب می کرد از دستور کار خارج گردید اما توپخانه خواص زیادی دارد که با ساخت توپ‌های برد بلند در آن مستتر باقی می ماند (من جمله قدرت تخریب و ارزانی آن) و حال که ما توانایی رقابت برای ساخت و تکثیر سلاح‌های هوشمند و باز دارنده را به حد کافی نداریم باید از این تکنولوژی که به مراتب ساده تر و در دسترس تر از انرژی هسته‌ای می باشد استفاده لازم را ببریم این مشابه حالتی است که دشمن شمشیر خود را می اندازد تا تیر و کمان را بر گیرد و ما که سلاحی نداریم از شمشیر دشمن بر علیه او استفاده می کنیم.

حال این سوال پیش می آید که آیا امکان ساخت این توپ در سطح کشور وجود دارد یا نه؟ در جواب اشاره می کنم به سخنان دشمنان میهن اسلامی که هرگز ما را دست کم نگرفته‌اند مگر اینکه خودمان به توانایی‌هایمان باور نداشته باشیم.

"اکنون بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین سلاح‌ها و تجهیزات نظامی در داخل خود ایران تولید می شود" این کلیدی‌ترین جمله‌ای بود که ۱۰ سال پس از پایان جنگ تحمیلی در گزارش کمیته دفاعی سنای امریکا خطاب به رئیس جمهور وقت این کشور آمده بود. سرانجام آن همه پایمردی

۱۸..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹
و ایستادگی در جنگ تحمیلی خود را نشان داده بود. سنای امریکا برای بررسی اوضاع دفاعی و توانایی نظامی ایران گروهی از نمایندگان خود را در کمیته دفاعی انتخاب کرده بود تا ببینند علی‌رغم انجام تحریم‌های مختلف، قدرت و اقتدار دفاعی ایران از کجا سرچشمه می‌گیرد. امروز نیز کارشناسان ارشد نظامی امریکا به دولت این کشور از توانایی‌های ایران در تولید موشک‌هایی خبر می‌دهند که می‌تواند هر نیروی تهدیدکننده‌ای را در کل خاورمیانه و فراتر از آن نشانه رود؛ و حال که توانایی فرستادن ماهواره به فضا را داریم ساخت هر نوع سلاحی ممکن خواهد بود.

۶ - سطح راهبردی به کارگیری سلاح‌های متعارف برد بلند

تنش‌ها و کشمکش‌های منطقه خاور میانه باعث ایجاد یک رقابت سنگین در زمینه افزایش توان تسلیحاتی و بالا بردن قدرت نظامی کشورهای منطقه گردیده است، به طوری که همواره شاهد تخصیص بودجه‌های چند میلیارد دلاری جهت تجهیزات نیروهای نظامی و انعقاد پیمان‌های دفاعی جدید با دول غربی توسط کشورهای منطقه می‌باشد.

این گونه رویکردها منجر به انباشته شدن انبوهی از تجهیزات رزمی من جمله توپخانه در کشورهای منطقه به خصوص کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران گردیده است.۱

از طرفی دیگر کشور جمهوری اسلامی ایران همواره در معرض تهدیدات نظامی کشور آمریکا و سایر هم پیمانانش قرار داشته و هیچ تضمینی نیست آنچه که در عملیات طوفان صحرا و عملیات اخیر بر علیه کشور عراق انجام شد در دستور کار دشمنان ایران اسلامی قرار نگرفته باشد که در چنین روزی به طور حتم تجهیزات مدرن توپخانه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز در خدمت نیرو و یا نیروهای متخاصم قرار خواهد گرفت.

از این رو به منظور حفظ آمادگی جهت مقابله با تجهیزات توپخانه‌ای پیشرفته کشورهای رقیب می‌بایست چاره‌ای نو اندیشه شود که در این راستا و در کنار سایر اقدامات جاری به یک الگوی جدید عملیاتی و تسلیحاتی روی آورد. که همان تحقیق و ساخت توپ‌های برد بلند

۱مستخرجه از آمار تسلیحات کشورهای جهان، خاور میانه، مجله جینس سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹

راهی برای بازدارندگی و کم نمودن از مخارج نظامی ۱۹

می باشد تا بتوان بازدارندگی لازم را برای همسایگانی که ممکن است تحت نفوذ آمریکا اقدامی را انجام دهند ایجاد نماید.

اگر مشخصه های تاکتیکی نیروی مهاجم فرا منطقه ای را با نیروهای مسلح جهان سوم مقایسه نماییم (برد عملیاتی، سرعت پیشروی، پراکندگی نفرات در کیلومتر مربع، سرعت واکنش به یک وضعیت تاکتیکی جدید، زمان مطلع شدن فرمانده از وضعیت منطقه جدید و...) خواهیم دید که برتری آشکاری در نیروهای مهاجم وجود دارد و منشاء آن، سرمایه گذاری هدف دار در تولید سلاح و تجهیزات می باشد. البته این هدف گذاری و تعیین مشخصه های تاکتیکی بر مبنای توان تحقیقاتی، بودجه دفاعی، ظرفیت خطوط تولید و ساختار مدیریت نظامی در هر کشور انجام می گیرد. با پذیرفتن این واقعیت، روشن می شود که ما نیز باید با واقع بینی و در نظر گرفتن مزیت های نسبی در زمینه، نیروی انسانی، موقعیت جغرافیایی و منابع آمادی، همچنین لحاظ نمودن نوع تهدیدات، مبادرت به سفارش، طراحی و تولید سلاح نماییم.

از اهم اقدامات ضروری در این زمینه متوقف نمودن تولید سلاح با الگو برداری کورکورانه از تسلیحات کشورهای پیشرفته می باشد. زیرا توان اقتصادی و علمی ما قابل رقابت با آنها نیست و اساسا هر تاکتیکی، تجهیزات خاص خود را نیاز دارد. بنا بر این آوردن هر سلاح جدید به صحنه نبرد، دارای الزامات تاکتیکی و تکنیکی خاص است که بدون فراهم شدن آنها، نتیجه مورد انتظار، حاصل نخواهد شد. برای مثال، آوردن یک تیپ زرهی به صحنه نبرد، مستلزم برتری هوایی نسبی، پدافند هوایی نقطه ای، توپخانه خود کشی و آماد و مهمات مداوم می باشد و همه اینها در صورتی مؤثر است که ادوات زرهی ما از نظر مشخصات تاکتیکی با تانک نیروی مقابل، هم سنگ باشد. (پرواس، ۱۳۸۸، ص ۶۲) لذا تبعیت از تاکتیک های تقلیدی، بدون توجه به امکان تقابل در عرصه تسلیحات و توان رزمی نیروی مقابل، سرنوشتی به جز شکست در پی نخواهد داشت.

نتیجه گیری:

وقتی دیدگاه‌های مختلف متفکرین غربی را در مورد بازدارندگی، مورد بررسی قرار می‌دهیم متوجه می‌شویم. علیرغم اختلاف نظرها، برداشت قریب به اتفاق آن‌ها از بازدارندگی بر حول و حوش سلاح‌های هسته‌ای قرار دارد لذا در این مقاله سعی گردیده نظریه جدیدی مطرح گردد که خارج از چارچوب نظریات مطرح کنونی بوده و استفاده از سلاح‌های دور پرتاب و غیر هسته‌ای را به عنوان ابزاری برای ایجاد بازدارندگی مطرح کند لذا با تعریفی که از قوانین بین‌المللی و دفاع مشروع به میان آمد می‌توان گفت که برخلاف سلاح هسته‌ای که به کارگزار آن مستلزم زیر پا گذاشتن بسیاری از هنجارها و قوانین بین‌المللی می‌باشد استفاده از توی الکترومغناطیسی نه تنها اقدامی به منظور دفاع مشروع تلقی شده و فاقد منع بین‌المللی می‌باشد بلکه استفاده از آن بلافاصله پس از حمله دشمن، عملی پسندیده است و ما با این کار می‌توانیم نوعی بازدارندگی برای دشمنان ایجاد کرده و مخارج نظامی سالیانه خود را تا چند برابر کاهش دهیم، که نتیجه آن توسعه سریع‌تر اقتصادی می‌باشد؛ و با توجه به اینکه در حال حاضر دشمنان ما هیچ گونه سلاحی برای مقابله با این نوع سلاح ندارند اصلح است که ضمن اختصاص بودجه تحقیقاتی بیشتر اقدامات موثری در این راه برداشته شود. لذا با اعتقاد به فن آوری نظامی متخصصین داخلی اعتقاد داریم انجام تحقیق و در نهایت ساخت سلاح‌های تدافعی متعارف با بردهای بلند، مانند توپ الکترومغناطیسی می‌تواند راهگشای خوبی برای مقطع کنونی باشد.

راهی برای بازدارندگی و کم نمودن از مخارج نظامی ۲۱

منابع :

الف- منابع فارسی:

- ۱- پرواس، سید رضا(۱۳۸۸) بازدارندگی و دفاع مشروع. انتشارات دافوس.
- ۲- رستمی، محمود(۱۳۷۸) فرهنگ واژه های نظامی، انتشارات ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸.
- ۳- فرد، لند سبرگ (۱۳۷۶). دوره درسی فیزیک جلد ۲. مترجم حمید عسگری و مینا زمانزاده، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- ماهنامه ARMADA اگوست و سپتامبر سال ۲۰۰۳، شماره ۴.
- ۵- ماهنامه فوکوس، اکتبر 2006، شماره ۲۳۰
- ۶- معاونت آموزشی نزاجا(۱۳۸۶). دستور رزمی ۵۰-۶- آتشبار تیر توپخانه صحرائی. انتشارات معاونت آموزشی نزاجا.

ب- منابع لاتین:

- 1- Amster, A Theory For The Design and A Deterrent Air Weapon System (San Diego, Calif: Convair Corporation, 1955).
- 2- Glenn H.snyder, Deterrence and Defence :1-Toward a Theory of Nationl Scurity (Princeton University Press, 1961pp. 3-15)
- 3- Barry Vuzan New York: St Martins , 1987An Introduction to Strategic Studies.
- 4- Frankin D.Roosevelt, "The Four Freedoms in Donna swain 4-people, Places and Opinions (New York, American Book Co. 1961)
- 5- Inis Claude, gr, Swords in plowsheres (New York, Random House 1984p. 286).
- 6- Keohane R.and Nye, J Amster, A Thcory For The Design and A Deterrent Air Weapon System (San Diego, Calif: Convair

۲۲..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹
Corporation, 1955 (6-Thomas Schelling, Arms and Influence New
Haven , Yale University Press, 1966)

7- Robert Keohane, After Hegemony, Cooperation and Discaud in
The world politics) Princeton: princeton University press 1984)